

آیین‌های بنابر



دانشگاه شهید بهشتی

فصلنامه خبری آموزشی اطلاع رسانی
کانون علمی فرهنگی ستاد شاهد و ایثارگر
شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۰



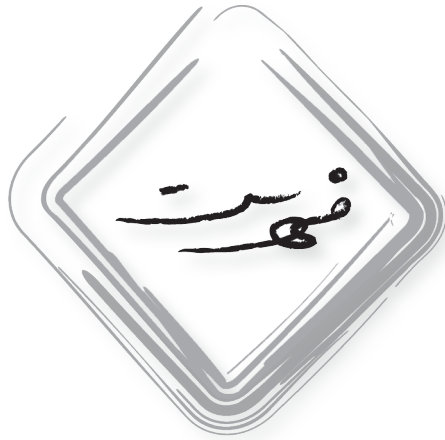


فصلنامه خبری آموزشی اطلاع رسانی
کانون علمی فرهنگی ستاد شاهد و ایثارگر
شماره ۲۵. بهار ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی
مدیر مسئول: داود طالبی
سردبیر: مریم احقاقی
صفحه آرا: مریم اصغری
همکاران این شماره: اعظم السادات شیرازیها(دبیر)

پست الکترونیک: shahed83@sbu.ac.ir
وب سایت: <http://shahed.sbu.ac.ir>
تلفن: ۲۲۴۳۱۸۸۳ _ ۲۲۴۳۱۸۸۴





مناجات - ۴

سخن سردبیر - ۵

تابلوی اعلانات - ۶

دیدار - ۹

از ایران تا ایران - ۱۰

سالروز فتح خرمشهر - ۱۲

ناتوی فرهنگی - ۱۴

یادمان - ۱۶

تغییر قبله - ۱۸

شبیه باران - ۲۰

چگونگی قیام ۱۵ خرداد - ۲۱

کانون ورزشی ایثار - ۲۳

روز بسیج اساتید - ۳۰

در گذر زمان - ۳۱

مولای من! در تمام ایام زندگی ام سایه مهر تو بر سر من مستدام بود، این سایه خوب را تا آن سوی مرگ نیز گسترده بدار!
خدای من! چگونه می توانم گمان کنم که پس از مرگ، تو روی گردانی و چهره دگرگون کنی؟ در حالی که در تمام طول حیات، جز زیبایی و خوبی و لطافت از تو ندیده‌ام.
خدای من! کار مرا آنچنان که شایسته توست عهده دار شو و به من با نگاه بخشش و کرم نظر کن، بر این بنده که پرده‌های سیاه جهل، اطرافش را فرا گرفته است.
معبود من! تو در دنیا بر بدی‌های من پرده افکنده‌ای، من در آخرت به این پرده نیازمندترم. تو در میان بندگان خوب خودت مرا رسوا نکرده‌ای، در مقابل شاهدان قیامت رسوایم نکن!!
خدای من! جود تو توقع مرا افزوده است. بخشش ات به آتش آرزوی من دامن زده است و عفو تو بی تردید برتر از کردار من است.
محبوب من! به دیدارت شادمانم گردان، چشم مرا به جمالت روشن کن - آن زمان که در میان بندگان به قضاوت می‌نشینی.
معبود من! اعتذار من به درگاه تو اعتذار کسی است که از قبول پوزش خویش، بی نیازی نمی‌کند. پس عذر مرا بپذیر ای بخشنده‌ترین کسی که شرمساران و روسیاهان و رحمت طلبان به درگاه او پناه می‌برند و به دامن او می‌آویزند.
خدای من! رد مکن این عرض نیاز مرا و کور مگردان این شوق و رغبت مرا و مشکن ساقه امید و آرزوی مرا.
معبود من! تو اگر می‌خواستی که خوارم کنی، دست به هدایت من نمی‌زدی، تو اگر رسوایی مرا می‌خواستی، اینقدر با من مدارا نمی‌کردی.
معبودم! من گمان نمی‌کنم، تو مرا در حاجتی که عمری بر سر آن نهاده‌ام و در طلبش به درگاه تو نالیده‌ام رد کنی.
خدای من! حمد همواره تو را سزاست و ستایش همیشه زینده توست تا ابدی که بینهایت است. افزون باد این حمد و ستایش که همیشه افزون خواهد شد و کاستی و فنا نخواهد پذیرفت، آنچنان که تو بپسندی و خشنود باشی.

دعای ماه رجب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ أَمَنْ سَخَطَهُ

عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ يَا مَنْ يُعْطِي الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ يَا مَنْ
يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ يَا

مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحْتَبَأْ مِنْهُ
وَرَحْمَهُ أَعْطِنِي

بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ جَمِيعَ خَيْرِ
الْآخِرَةِ وَأَصْرِفْ عَنِّي

بِمَسْئَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَ شَرِّ الْآخِرَةِ فَاتَّه
غَيْرَ مَنقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ

وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمُ

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا النِّعْمَاءِ

وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ حَرِّمُ شَيْبَتِي عَلَى النَّارِ

رجب، هفتمین ماه سال قمری است که در اسلام به آن اهمیت ویژه‌ای داده شده و در شمار ماه‌های پرفضیلت و یکی از چهارماه برخوردار از حرمت و قداست ویژه است. رجب، ماهی است که در آن بندگان و مؤمنان و ره‌پویان، خود را برای شرکت در مهمانی بزرگ خداوند آماده می‌کنند. ماه زدودن غبار تیرگی از روح و جان، ماه تمرین حضور و توجه بیشتر به معنویات و ماه بندگی و فرمان‌بری و در نهایت سرآغاز انس و الفتی جانانه به پروردگار هستی‌بخش است.

اهالی رجب، مردان و زنان با ایمانی‌اند که آرزویی جز وصال یار ندارند و اشتیاقی غیر از دیدار در آن‌ها نیست. ذکرشان الله، کارشان لله و هدفشان کسب خشنودی پروردگار است. «رجبیبون» قصدی جز رضوان الهی ندارند. بهشت آنان توجه محبوب است و دوزخشان حرمان یاد او. آن‌گاه که یارشان به اشک شوقی آن‌ها را می‌نوازد، برایشان از آن‌چه در دنیاست بهتر و خوش‌گوارتر است. هر کس توشه‌ای از سفره رجب برمی‌دارد و در خانه تکانی آن، همه می‌کوشند تا غباری بر گرد جان باقی نگذارند.

آفتاب رجب، گرمی‌بخش دل‌های اهالی آن است و مهتابش نوازش‌دهنده دیدگان نجواکنندگان و ستاره‌های آن، آیات تفکر و تأمل اندیشمندان است.

عقدہ دل وانما، ماه رجب می‌رسد

هلهله کن عاکفا، ماه طرب می‌رسد

تابلوی اعلانات

تشکیل جلسات ستاد شاهد و ایثارگر

در بهار ۹۰، جلسات شماره ۲۶۱ و ۲۶۲ ستاد امور شاهد و ایثارگر به منظور بررسی تقاضا و مشکلات آموزشی و تحصیلی دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار شد، که طی آنها ۴۳ پرونده مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسات در خصوص پرونده های ۳۳ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۱۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد تصمیم گیری شد.

گردهمایی دانشجویان شاهد و ایثارگر موسسات غیرانتفاعی

گردهمایی دانشجویان شاهد و ایثارگر موسسات غیر انتفاعی تحت پوشش دانشگاه شهید بهشتی روز چهارشنبه ۹۰/۱/۲۴ با حضور دانشجویان و جمعی از خانواده های آنها در تالار مولوی برگزار شد. در این جلسه پس از ارائه گزارشی از فعالیتها و وظایف اداره امور شاهد و ایثارگر، دکتر طالبی مدیر امور شاهد و ایثارگر دانشگاه، خانم زاهدی معاونت این امور و خانم کمالی همکار امور شاهد و ایثارگر موسسه غیر انتفاعی علم و فرهنگ به سخنرانی و پاسخگویی به سئوالات دانشجویان پرداختند. جلسه با برگزاری نماز جماعت مغرب و عشاء در مسجد دانشگاه و صرف شام خاتمه یافت.



طرح تقویت بنیه علمی و هدایت تحصیلی

دانشجویان شاهد و ایثارگر - نیمسال دوم ۹۰-۸۹

تعداد کلاسهای تقویتی	تعداد دانشجویان شرکت کننده در کلاسهای تقویتی	تعداد مدرسان کلاسهای تقویتی
۵۳	۶۳	۲۷
تعداد کلاسهای فوق برنامه	تعداد دانشجویان شرکت کننده در کلاسهای فوق برنامه	تعداد مدرسان کلاسهای فوق برنامه
۸	۲۷	۵
جمع	۹۰	۳۲

جدول آماری مشاوره های آموزشی - غیر آموزشی

دانشجویان شاهد و ایثارگر - نیمسال دوم ۹۰-۸۹

جمع کل	تعداد دانشجویان شاهد	تعداد دانشجویان ایثارگر
آموزشی	۱۸	۴۰
غیر آموزشی	۲	۲۰
جمع	۲۰	۶۰

یادواره شهدای دانشگاه شهید بهشتی



یادواره شهدای دانشگاه شهید بهشتی روز یکشنبه ۹۰/۳/۱ با حضور ریاست دانشگاه، روسای دانشکده ها، اساتید مشاور، مسئولین بنیاد شهید، فرماندار شمیرانات، مشاور وزیر و مدیر کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر در وزارت علوم و خانواده معظم شهدا و دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار گردید. در این مراسم از خانواده های شهدا، دانشجویان برتر قرآنی، علمی و المپیاد ورزشی تجلیل به عمل آمد.

بازدید از بیمارستان ساسان به مناسبت ولادت حضرت زینب (س)



بازدید از بیمارستان فوق تخصصی ساسان در تاریخ ۹۰/۱/۲۰ با حضور همکاران و دانشجویان شاهد و ایثارگر به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) و روز پرستاران انجام شد.





شہید حسن غفور رشیدی



دیدار

بازدید از خانواده شهید حسن غفور رشیدی در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۶ با حضور همکاران و دانشجویان انجام شد. شهید حسن غفور رشیدی در سال ۱۳۳۸ در شهر اصفهان چشم به جهان گشود و در خانواده ای متدین و فرهنگی پرورش یافت. شهید حسن غفور رشیدی دانشجوی سال سوم رشته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی بود. او در سال ۱۳۶۰ ازدواج کرد که ثمره این ازدواج یک دختر است. این بزرگوار در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۵ در عملیات فتح المبین به فیض شهادت نائل آمد.

فرازی از وصیت نامه شهید

حمد و سپاس خداوند تبارک و تعالی را که دین اسلام را آیین و کیش من قرار داد و مرا در میان جامعه ای قرار داد که مذهبش شیعه و رهبرش امام خمینی است و جوانانش لشکریان امام حسین (علیه السلام). من از پروردگار متعال می خواهم که همگی ما را به راه راست هدایت کند و بر اعمال گذشته ما قلم عفو بکشد، زیرا که خداوند رحمان و رحیم است و غفور و غفار است.

و باید بدانیم که خداوند قادر متعال، کسانی را که توبه کنند و بعد از توبه عمل صحیح انجام ندهند را به هیچ وجه نمی بخشد، همان طور که زن لوط را نبخشید. ببینید خداوند زن پیغمبرش را به خاطر گناهانش نبخشید، پس چگونه ما بندگان گنه کارش را خواهد بخشید، اگر توبه نکنیم؛ ولی اگر توبه نکنیم، امید است که خداوند ما را ببخشد. پس کسانی که توبه کردند و سپس بعد از توبه از گذشته شان، ایمان آوردند و در پی ایمانشان عمل صالح انجام دادند، (نماز و روزه و دادن زکات و غیره) امید است که باشند از رستگاران. این گفته خداوند است و خداوند دروغ نمی گوید و وعده اش حق است. پس تا دیر نشده و وقت نگذشته است، باید به خود بیایید و شروع کنید؛ خداوند هم در این راه شما را کمک خواهد کرد.

انشاء...!



خاطراتی از آزادگان

(قسمت هفتم)

داود طالبی
عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری
دانشگاه شهید بهشتی
گروه مدیریت صنعتی

دلخوشی جدید

خوب یک خواسته قانونی ما ثبت نام اسراء توسط کمیته صلیب سرخ جهانی بود. این یکی از مسائل روحی بچه ها بود. نه ما از خانواده ها خبری داشتیم نه آنها از ما (البته تا آخر هم این وضعیت بود) در این ایام درخواست و سوال داشتیم که چرا صلیب سرخ جهانی به اردوگاه نمی آید. آنها هم همیشه قول امروز و فردا را با تندی و خشونت می دادند و هیچگاه هم عملی نکردند. یک روز گفتند همه در بیرون سوله صف بایستید می خواهیم اسامی شما را ثبت کنیم همه آماده شدند منظم به صف نشسته بودیم بی خیال پا درد و زانودرد هم شده بودیم. بالاخره آمدند. با کمال تعجب دیدیم که تعدادی ارتشی با قلم و کاغذ شروع به ثبت نام کردند، دلخوشی ما تبدیل به یأس شد. خوب ثبت نام ها را شروع کردند. نام، نام پدر، نام پدر بزرگ، نام فامیل، سن، شغل، درجه، محل اسارت و....

کم سوادی بعضی از نظامی های عراقی هم دردسری برایمان بود. تو صف ما آقای پیمان ارژنگ^۱ نشسته بود.
نوبتم شد. سوالها را به صورت زیر پاسخ دادم:

- ما اسمک؟ سن؟
- داود ۲۴ سال
- اسم الاب؟ شغلک؟
- محمد آقا دانشجو
- اسم الجد؟
- حسین

دردسری چ ژگ

خوب در ثبت نام ارتش عراق بعضی از اسامی بودند که دارای یک یا چند حرف از چهار حرف پ، چ، ژ، گ بودند که در الفبای عرب نیست. نوبت آقای پیمان ارژنگ شد.

- نام؟
- پیمان

۱- برای حفظ نام اصلی ایشان این نام مستعار بکار گرفته شده است.



- چی؟ بیمان؟

- نه آقا بیمان

- لا، لا، بیمان آقا

- احمق حرف نزن هر چی که من می گم، بیمان
و چند سیلی به صورت آقا بیمان به خاطر نبودن حرف "پ" در الفبای عرب
حالا نوبت اسم فامیل شما!

- فامیلی تو چیه؟

- ارژنگ

- چی؟ ارژنگ؟

- نه آقا ارژنگ

- لا، لا، فقط ارژنگ

- نه تو رو خدا ، بخدا فامیلی من ارژنگ نیست ارژنگه

- غلط کردی ، دیگر حرف نزن ، ارژنگ

حالا سیلی های اسم فامیل شروع شد بالاخره پا درمیانی کردیم گفتیم آقا
بیمان ارژنگ کوتاه بیا اینها در حروف الفبای خودشون(عربی) چهار حرف پ
چ ژ گ را ندارند. اون عراقیه هم که نمی فهمه و نمی تونه توضیح بده.

آقا بیمان گفت آخر بچه اگر اسم من بجای بیمان ارژنگ اشتباهی بیمان
ارژنگ به ایران بره خانواده ام قبول نمی کند چون می گن این اسم بچه ما
نیست. گفتیم خدا خیرت بده دلت رو به چی خوش کردی؟ اینها که این
اسامی رو به صلیب سرخ نمی دهند. این اسامی رو برای خودشون می خوان
اگر بنا باشه اسم ما به کمیته صلیب سرخ جهانی داده بشه این صلیب
سرخي ها که خارجی هستنند میان عراق نه ما. بالاخره آروم شد و پس از
ساعتها خستگی ثبت نام تمام شد و دوباره وارد سوله شدیم و این خاطره
گهگاهی زبانزدمان بود و می خندیدیم.

ادامه دارد....

سالروز فتح خرمشهر

"توجه فرمائید؛"

مردم شریف ایران، توجه فرمائید

"خونین شهر آزاد شد"

در خیال خرمشهر که کنار کارون آرام نشسته بود، هیچ صدای خمپاره ای نبود. نخلستان هایش صدای چرخ های تانک را تا آن روز نشنیده بود، تا شهریور ماه ۵۹ که خرمشهر، خونین شهر شد. پس از گذشت روزهای تاریک و پر دود اسارت، در سوم خرداد ۱۳۶۱ شهر از اشغال درآمد. خرمشهر نخل های سوخته، نخل های بی سر...

فتح خرمشهر (سوم خرداد ۱۳۶۱) در تاریخ جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و عراق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خبر آزادی خرمشهر آن چنان شگفت‌آور بود که در سراسر میهن اسلامی ما مردم را به وجد آورد. با اعلام خبر فتح خرمشهر مردم ایران بسان خانواده‌ای بزرگ که فرزند از دست رفته خود را باز یافته است اشکهای شادی و شمع خود را نثار روح شهدای حماسه‌آفرین صحنه‌های شورانگیز این نبرد کردند. برای پی بردن به عظمت این نبرد حماسی کافی است بدانیم که نیروهای متجاوز عراق پیش از نبرد سرنوشت ساز رزمندگان ما برای آزادی خرمشهر در اطلاعیه‌ای به نیروهای خود دستور داده بودند که دفاع از خرمشهر را به منزله دفاع از بصره، بغداد و تمام شهرهای عراق محسوب دارند. همچنین تجهیزات و امکانات دفاعی دشمن در این منطقه نشان می‌داد که عراق خرمشهر را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ به حساب آورده و قصد داشته است به هر قیمت، این شهر را در تصرف نیروهای خویش نگهدارد.

هنگامی که مرحله اول و دوم عملیات بیت‌المقدس به پایان رسید و رزمندگان ما در اطراف خرمشهر مستقر شدند، رادیوی رژیم بعثی، می‌کوشید در تبلیغات کاذب خود، حضور نیروهای عراق را در خرمشهر به رخ بکشد تا توجیهی برای ترمیم روحیه نیروهای شکست خورده و رو به هزیمت عراق باشد. فتح خرمشهر در زمانی کمتر از ۲۴ ساعت، موجب شد که بخش قابل توجهی از نیروهای مهاجم عراقی به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی ایران درآیند.

نبرد بزرگ، سرنوشت‌ساز و غرورآفرین بیت المقدس که برای رها سازی خرمشهر از سلطه نیروهای مهاجم عراقی انجام شد، از دهم اردیبهشت ماه تا چهارم خرداد ما ۱۳۶۰ به طول انجامید. این نبرد حماسی علاوه بر پایان بخشیدن به ۱۹ ماه اشغال بخشی از حساس‌ترین مناطق خوزستان و آزادسازی خرمشهر، ضربه‌ای سهمگین و کمرشکن به توان رزمی و جنگ طلبی‌های دشمن مهاجم وارد ساخت. کوتاه سخن اینکه عملیات بیت‌المقدس به عنوان برجسته‌ترین عملیات پدافندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در تاریخ نظامی ۸ سال دفاع مقدس ثبت

بود و
در بی‌پناهی
پناه داده بود و
تا بود مظهر ماندن
و استقامت بود و آنگاه نیز
که خرمشهر به اشغال متجاوزان
درآمد و مدافعان ناگزیر شدند که به
آن سوی شط خرمشهر کوچ کنند باز هم
مسجد جامع، مظهر همه آن آرزوهایی بود که جز
در بازپس‌گیری شهر برآورده نمی‌شد. مسجد جامع، همه
خرمشهر بود.

خرمشهر از همان آغاز، خونین‌شهر شده بود. خرمشهر خونین
شهر شده بود تا طلعت حقیقت از افق غربت و مظلومیت رزم‌آوران و
بسیجیان غرقه در خون ظاهر شود. و مگر آن طلعت را جز از منظر این آفاق
می‌توان نگریست؟ آنان در غربت جنگیدند و با مظلومیت به شهادت رسیدند
و پیکرهاشان زیر شنی تانکهای شیطان تکه تکه شد و به آب و باد و خاک و
آتش پیوست. اما؟ راز خون آشکار شد. راز خون را جز شهدا در نمی‌یابند. گردش
خون در رگهای زندگی شیرین است اما ریختن آن در پای محبوب، شیرین‌تر
است؛ و نگو شیرین‌تر، بگو بسیار بسیار شیرین‌تر است.

راز خون در آنجاست که همه حیات به خون وابسته است. اگر خون یعنی همه
حیات؟ و از ترک این وابستگی دشوارتر هیچ نیست پس، بیشترین از آن کسی
است که دست به دشوارترین عمل بزند. راز خون در آنجاست که محبوب خود
را به کسی می‌بخشد که این راز را دریابد. آن کس که لذت این سوختن را
چشید در این ماندن و بودن جز ملالت و افسردگی هیچ نمی‌یابد.

آنان را که از مرگ می‌ترسند از کربلا می‌رانند. مردان مرد، جنگاوران عرصه
جهادند که راه حقیقت وجود انسان را از میان هواپیماهای آتش‌جسته‌اند. آنان ترس
را مغلوب کرده‌اند تا فتوت آشکار شود و راه فنا را به آنان بیاموزد.

آنان را که از مرگ می‌ترسند از کربلا می‌رانند. وقتی که کار آن همه دشوار
شد، ماندن در خرمشهر معنای شهادت گرفت، هنگام آن بود که شیعیان عاشورایی
برپا شود و کربلائیان پای در آزمونی دشوار بگذارند؟

کربلا مقرر عشاق است و شهید سید محمد علی جهان‌آرا چنین کرد تا جز
شایستگان کسی در آن استقرار نیابد. شایستگان، آنانند که قلبشان را عشق
تا آنجا آکنده است که ترس از مرگ، جایی برای ماندن ندارد. شایستگان
جاودانند؛ حکمرانان جزایر سرسبز اقیانوس بی‌انتهای نور. نوری که پرتوی از آن
همه کهکشانهای آسمان دوم را روشنی بخشیده است.

شده است.
اگر امروز در هر شهر و روستا به گلزار شهیدان گذر کنیم
و تاریخ نقش بسته بر مقبره‌ها را مرور کنیم، خواهیم دید
که مجموعه شهیدان سوم خرداد ۱۳۶۰ الگویی کوچک
از ملت مقاوم ایران است که چونان سپهری پر ستاره می
درخشد. شادبهای به یاد ماندنی خودجوش و سراسری پس از
آزادسازی خرمشهر نیز برگ دیگری از این حماسه ملی بود و
نشان داد که مردم سراسر اقطار و بلاد ایران اعم از آن که هرگز
خرمشهر را به چشم دیده باشند یا نه چگونه از شنیدن خبر این
پیروزی ساعتها به دست افشانی و پایکوبی پرداختند و هزیمت دشمن
اشغالگر را از خاک میهن جشن گرفتند.

سوم خرداد یک حماسه ملی است؛ اگر حضور ملت در صحنه جبهه‌های دفاع
نمود، نه حماسه آن پیروزی تحقق می‌یافت و نه حماسه حضور مردم در جشن
پس از پیروزی. لذا به حق می‌توان گفت پاسداشت فتح خرمشهر در گرو
پاسداشت حضور مردمی در همه صحنه‌هاست.

بیاد سوم خرداد سالروز حماسه همیشه تاریخ ایران... آزادی خرمشهر

مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تا بود مظهر ماندن و استقامت
بود. مسجد جامع خرمشهر، مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته

اصول ناتوی فرهنگی:

- اصولی که در ناتوی فرهنگی تبلیغ و ترویج می شوند عبارتند از:
- اصالت لذت
- دنیا گرایی
- بی اخلاقی گری اجتماعی
- فردیت فرد
- فمینیسم (هر چیز را از نگاه جنسیت دیدن و در یک کلام تبلیغ برای رفع حیا از سطح اجتماع)
- سوداگری اقتصادی
- توده گرایی
- ترویج بی بند و باری

اهداف ناتوی فرهنگی:

ناتوی فرهنگی در کمین هویت دینی، ملی و منطقه ای است. جبهه ناتوی فرهنگی هم مانند دیگر جبهه های طراحی شده از سوی دشمنان ملت ایران و امت اسلام دارای اهداف خاص خویش است که بطور خلاصه می توان این اهداف را در ساختار شکنی و جایگزین ساختار مطلوب در راستای تثبیت منافع غرب، نام برد.

- از این رو، حوزه اصلی فعالیت دشمنان در جبهه فرهنگی، شکستن ساختارهایی است که ادیان و مذاهب اصیل بدنبال تثبیت آن هستند.

- ترویج و القاء این تفکر که حکومت یک پدیده و ایده غیر دینی و حتی مخالف با آموزه های دینی و الهی است و در این راستا از تبلیغ و حمایت از فرق و نحله هایی همچون صوفیه، وهابیت، حجتیه، بهائیت حمایت می کنند که همگی آنان در اندیشه سیاسی غرب، امر حکومت را مانع سعادت اخروی و یا خارج از وظایف انسانهای عادی می دانند.

- ایجاد اختلاف و شکاف در جوامع اسلامی، چند دسته گی و تقابل و نهایتا درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون، هم در بعد ملی و هم در سطح جهان اسلام.

- تخریب بنیان های فکری و اعتقادی، اعضای ناتوی فرهنگی سعی دارند چهره تابناک دین مبین اسلام و چهره مبارک پیامبر اعظم (ص) را از طریق رمان، فیلم و کاریکاتور مخدوش و دین اسلام را طرفدار خشونت که با زور و شمشیر گسترش پیدا کرده است؛ معرفی کنند و در واقع سعی دارند با استفاده از برتری های سیاسی، اقتصادی و رسانه ای به مبانی افکار و ارزش های مسلمانان هجوم بیاورند و با نفی و رد ارزش های دینی و ملی، حاکمیت خود را تثبیت و ارزش های نامطلوب خود را تحمیل کنند.

- ایجاد گسست و اختلاف بین دولت و ملت.

- هدایت افکار عمومی، ایجاد ابهام و تردید در اذهان مردم، تأمین منافع سیاسی، به دست گرفتن تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها و ملت ها، تشکیل سازمان فرهنگی برای نابودی هویت ملی جوامع بشری و ... از دیگر اهداف ناتوی فرهنگی است.

ابزارهای ناتوی فرهنگی:

دشمنان و اعضاء ناتوی فرهنگی با استفاده از ابزارهای مختلف در پی ایجاد گسست در میان شالوده مستحکم

غرب در راستای ناتوی فرهنگی علیه دنیای اسلام و خصوصاً انقلاب اسلامی ایران تبدیل شده است.
- وزارتخانه های خارجی:

از جمله «وزارتخانه هلند» که با هماهنگی انگلیس و هدایت دیپلمات های هلندی و بودجه بندی پنهان آمریکا در پی ناتوی فرهنگی و تلاش برای براندازی نرم با راه انداختن انقلاب های مخملی علیه جمهوری اسلامی ایران هستند.

- رادیوهای بیگانه و شبکه های مهم خبری:

جعل واقعیت و سانسور خبر حربه ای مهم در دست اعضای ناتوی فرهنگی است که به وسیله آن می توانند افکار عمومی را شکل دهند. (ماجرای کوی دانشگاه تهران)
- دانشگاه، روشنفکران، مخالفان، دوستان نادان: در حال حاضر دشمن بیشترین توجه خود را به مراکز آموزشی عالی معطوف کرده است، به طوری که جریانهای انحرافی با تمرکز دین ستیزی، فرقه گرایی و ... در دانشگاهها فعال شده اند.

- سینما، کتاب، و ... همه ابزارهای در دست اعضای ناتوی فرهنگی هستند.

این ابزارها مهمترین پشتیبان عملیات روانی، استحاله فرهنگی، تخریب، تخدیر و تحقیر فرهنگی و شستشوی مغزی ملتها به حساب می آیند. به عنوان مثال کشور آمریکا همکاری نزدیکی با ۵۰ دانشگاه علوم ارتباطات جهان دارد و با در اختیار داشتن ۱۴۰ روزنامه، ۴۴ رادیو، ۱۷ شبکه تلویزیونی و ۲۵۰۰۰ مرکز انتشار نسخ خبری ابزارهای زیادی در اختیار دارد.

ادامه دارد...

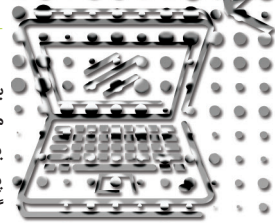
دینی، ملی و منطقه ای است و متأسفانه جوانان و نوجوانان به دلیل حس کنجکاوی، علاقمندی به شناخت چیزهای جدید، عشق، جذابیت، کمی تجربه، اقتضای سنی و آسیب پذیری مهمترین ابزار در دست اهداف ناتوی فرهنگی هستند و آنچه که موجب تخریب جوانان و نوجوانان می شود در محور فعالیت اعضاء ناتوی فرهنگی قرار دارد.

- سایت ها، رسانه های نوظهور، باندهای فساد اینترنتی:

از ابزارهای مهم و قوی به شمار می روند و یکی از مهم ترین و جدی ترین حوزه های فعالیت کشورهای دشمن در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی استفاده از رسانه در جهت ایجاد جو منفی در ایران می باشد؛ در واقع راه اندازی رسانه های فارسی گوناگون مانند شبکه های تلویزیونی، رادیویی، ماهواره ای فارسی زبان خارج از کشور و راه اندازی سایت های مستهجن که از ۱۰ سال پیش آغاز شده و در ۵ سال اخیر گسترش پیدا کرده فقط در مسیر نابودی فرهنگ ایرانی، اسلامی چندین هزارساله ملت بزرگ ایران فعالیت می کنند و در پی آن هستند که فرهنگ ایرانیان را فرهنگی مستهجن معرفی نمایند و مبارزه ای همه جانبه را با نظام جمهوری اسلامی ایران برپا نمایند.

- بازی های رایانه ای:

با قابلیت ها و ویژگی های خاص خود که به شکل های مختلف تأثیر می گذارند: این گونه بازی ها بسیاری از اصول یادگیری مانند هم ذات پنداری (الگو سازی)، تمرین، تکرار، پاداش و تقویت را بکار می گیرند. در بازی های رایانه ای گرافیک، صدا و تعامل، ابتکار سیر داستان، کنجکاوی، پیچیدگی و تخیل، منطق، حافظه، بازتاب ها، مهارت های ریاضی، چالش حل مسأله و تجسم از جمله جنبه های فنی، روانی و فردی است که بازیگران را جذب این بازی ها می کند. کار مستقل، مداومت در بازی، مشارکت فعال، تعامل مشارکتی، ساختار گروهی، یادگیری، رقابت یا همکاری گروهی و فرصت های برابر در بازی از جمله عواملی هستند که در فرد برای ادامه بازی ایجاد انگیزه می کند. و دقیقاً به دلیل همین خصوصیات است که به یکی از ابزار تأثیر گذاری



را مرید او ندانند که آهن در دستانش ذوب می شد. مردی که از زندگی سیاسی ملت ایران واژه وحشت را حذف کرد، مردی که در قاموس حیانتش وحشت وجود نداشت، در عین حال در برابر خداوند کریم در نهایت خضوع و تواضع و بندگی محض بود. چرا زنان در این سالگرد فعالانه شرکت نکنند وقتی کیان بدست آورده را از او دارند. وقتی اعتبار و موجودیت اجتماعی - سیاسی و هویت جدیدشان را در هم‌صحنه ها از او کسب کرده اند. کدام روحانی، رهبر، توانست معراج مردان را از دامن زنان معرفی کند. کدام امام را سراغ دارید که در حد ایشان در جهت اصلاح ساختار زندگی، شغلی و... زنان حکم و دستور و فرمان و تحلیل داده باشد؟

بزرگداشت امام نباید در حد شعار و ظاهرسازی و صوری مطرح شود، بلکه باید امام را بعنوان نماد فقاقت، ولایت فقیه، رهبر و... به نسل دوم انقلاب شناخت داد. مردی که غبار فراموشی را از روی قرآن‌ها پاک کرد و دین را بعنوان تنها راه نجات بشریت اعلام کرد. مردی که هرگز به زورگویان عالم خضوع نکرد.

مردی که پیامبر گونه در شعب ابطالب تبعید بود و در آن سالهای سخت به جذب و تربیت نیروها پرداخت.

مردی که ما نیازمندیم از او تعریف کنیم. مردی که همیشه از روزگار ما جلوتر بود. مردی که رضایت خداوند را در انجام اعمال با هیچ چیز معاوضه نمی کرد. مردی که حرف زدن از او و تکرار یاد و راهش تکرار خوبی است. زنده کردن یاد و نامش نوعی عبادت است. مردی که حتی امروز هرکسی در ایران اعتبار و رسمیتش را با قرب و رابطو بیشتر با او کسب می کند.

آیا سزا نیست که هر وزارت و دستگاه، سازمان و موسسه، گروه و جماعت، تشکیلات و نهادی در حد خود در این نکوداشت شرکت کند؟ مگر نه اینکه موجودیت و حقانیت همه نهادها و تشکیلات به آن عزیز برمی گردد. تبی که برای شرکت هرچه بیشتر و نکوداشت هرچه شکوهمندتر آن امام بیداری در جان عالمیان افتاده است، خود، کاری است که به صرف دستورات اداری حاصل نمی آید. ما همه در هر سمت و جایگاه و شان و مسئولیتی و امدار همت والای آن مرد بزرگیم. اینک فرصت خوبی است که از سر ارادت و اخلاص در این نکوداشت خدمت کنیم. مردان بزرگ و الهی مردانی اند که هم در زمان حیاتشان به جامعه، جان و حرکت و امید و بالندگی می دهند و هم پس از رحلتشان جامعه آنها را بعنوان معیار و ملاک در نظر دارد. راستی مگر نه اینکه تمام اقشار و گروهها و طوایف و شخصیت‌ها برای اثبات صحت راه یا نظر یا درک و تلقی و تعیین مسیر فعلی سعی دارند خود را با امام هم سو و هم جهت معرفی کنند؛ مردی که اینک در میان ما نیست.

بزرگداشت امام خمینی بزرگداشت یک فرد نیست. بزرگداشت دین، معرفت علم، عرفان، اخلاق، مبارزه سیاسی برای احقاق حقوق مستضعفین و بزرگداشت فلسفه حرکت انقلاب انبیا است. چرا که نهضت امام کبیرمان ادامه نهضت اولیا و انبیا بزرگ الهی است. بزرگداشت مردی است که با قدرت و جاذبه الهی کالبد محدود زمان و مکان را در هم شکست. مردی که بی تردید از عالم ملکوت خبر داشت، به عینه می دانست آنان که در راه خدا قدم برمی دارند، حرکت می کنند و شهید می شوند در مقام قرب الهی و در آستان حضرت حق منزلت دارند. بزرگداشت سالروز تولد مردی است که در آسمان به رویش باز بود و حرفهایش رنگ و بوی فرشتگان را می داد. ایران اسلامی در سالگشت ولادت مردی بپا خاسته، او را باز می شناسد، او را یادش را زنده نگه می دارد که هویت دیگری به این مرز و بوم بخشیده است، جایگاه و شخصیت و هویت معنوی جدیدی به ایران زمین داده است. چراغ یاد مردی را بر بلند هر کوی و برزن می آویزیم که مهربانی را معنی کرد، زندگی را با قرائت هدفدار دیگری تفسیر کرد، مردی که در رنگین کمان حضورش هستی شکل گرفت، مردی با دلی دریایی، روحی نستوه، ایمانی آسمانی، خصایص پیامبر گونه، سری سبز و راهی روشن، از خاک تا خدا. باید پرسید چرا این نور و غوغا در سر و دلها افتاده است؟ تا بگوییم، ما یاد مردی را زنده می کنیم که با یاسهای الهی رابطه داشت، با نسترن لبخند می زد، همیشه زودتر از همه به استقبال سحر می رفت، با شقایق دوست بود، چرا همو نیروهای نظامی و غیر نظامی، لشکری و کشوری در این مناسبت عاشقانه شرکت نکنند؟ مردی که جا بوسو تواضع او زیب بازوان بسیجی هایی شد که سایه دستان و بازوان پر توان قدرت خدا را بر دوش داشتند. مردی که حتی خشمش درس زندگی بود، مردی که با آمدن صفا و خوبی، ایمان و تقوا رونق گرفت، مردی که صدای توحید را از ماذنه های بلند مساجد منتشر می کرد و مردی که بوی خدا می داد.

چرا تمام مستضعفان خاک عالم، شیدای یاد و نام و راه خط روشن او نباشند؟ وقتی موی سر مستضعفان عالم را به کاخ نشینان نمی داد. مردی که به واقع و نه در شعار، مردم را ولی نعمت خود می دانست. مردی که صدای فرشتگان عالم بالا را به وضوح می شنید. مردی که طنین صدایش تا آن سوی عالم می رفت. مردی که بسیاری از عاشقانش او را ندیده در راه اهداف بلند معنوی اش شهادت را زین دفتر خود و خانواده و کشور کردند. مردی که تمام مستکبران عالم را به هیچ می انگاشت. تنها مردی که از مدتها قبل، صدای شکستن استخوانهای مارکسیسم را در جهان خبر داد. چرا تمام دلاوران، شیردلان، قهرمانان، پهلوانان و ورزش کاران خود

رستاخیزی دیگر در بزرگداشت امام‌بیداری

مردان بزرگ حتی پس از رحلتشان راه و خطشان فراموش نمی‌شود. بی تردید در مورد امام رمز بقای راهشان این است که راه خدا را می‌رفت و نشان می‌داد. تنها راه خداست که به جهت جاودانگی خدا کور و گم نمی‌شود.

مگر نه اینکه نسل دوم انقلاب همیشه درباره عظمت امام از کسانی می‌پرسند که امام را درک کرده‌اند. چه فرصتی بهتر از این که در این عزم ملی و فراگیر بتوانیم بیشتر از دیروز و زلال تر از گذشته از امام حرف بزنیم.

اینک که سبزی و حیات با او معنی می‌شود اینک که نور، بیداری، سحر، دریا و نسیم با او تفسیر می‌شود اینک که بسیاری در قالب کاروانهایی شیدا از راههای دور فقط به عشق و ارادت او رهنورد جاده‌های آگاهی و محبت و معرفتند، اینک که ایران با تمام عظمت و با تمام والایی و شهیدان و بزرگمردانش تکیه به امام دارد، اینک که چشم جهانیان در انتظار برپایی قیامتی دیگر، محشری مجدد، انقلابی بزرگ و نمایشی جهانی در بزرگداشت آن مرد بی نظیرند چرا فرصت را از دست بدهیم و هرچه هنر داریم رو نکنیم، هرچه عشق داریم وانماییم.

اینک که تمام عارفان عالم خاک در مدرس هدایت او زانوی ادب می‌زنند، اینک که فیلسوفان موشکاف، مبانی اساس حجیت تلقی را از او فرامی‌گیرند، اینک که فقیهان سترگ و بزرگ در درک و استنباط احکام فقهی و اصول اجتهادی به عظمت و هوش و ذکاوت و توان او معترفند، اینک که با وجود او می‌شود از عرفان عملی و تجسم عینی آن حرف زد، اینک که در ادبیات ارادت و اخلاص، ادبیات متعهد و عرفانی، همه به پیری و شیخی و بزرگی و جلوداری و مقام والای او معترفند، اینک که عطر یادش مشام جان شیدایان و ارادتمندان را عبیراگین ساخته است، بار دیگر آماده شویم و کودکانمان را که صدای زلال خمینی دریا دل را نشنیده‌اند آماده کنیم تا با شنیدن خاطرات ناب و ناگفته از آن بزرگ، اندکی آتش التهابشان فرو نشینند. اینک ماییم و بیرق سرخ شهادتی که فرزندان راستین امام بر دوش ما نهاده‌اند، ماییم و دفاع از حریم حرمت یاران و عزیزان و شاگردان امام که در سالهای غربت و تنهایی و مظلومیت و جدایی، تبعید و عسرت خط فرمان از روح الله می‌بردند، اینک ماییم و وظیفه خطیر دفاع واقعی از کیان یاران و عزیزان امام که شاید در کشاکش زمانه اندکی غبار بی‌مهری و کم‌لطفی بر چهره‌هایشان نشسته است، ماییم و احیای خط امام، ماییم و حمل بیرق خون چکان حسین تا بالاترین قله چکاندشین ارض، ماییم و شمیم یاد شهیدان، شهیدانی که در جوار امامشان آسوده خفته‌اند. ماییم و تیزهوشی خاصی که باید داشته باشیم تا در جمع و جماعت، کسانی وارد نشوند که تا امام بود جزو نامحرمان از حلقه دوست رانده تلقی می‌شدند. ماییم و رعایت جانب یاران امام، ماییم و بازآفرین وصایا و نصایح و دستورات امام.

تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به مکه

مسلمانان و شخص پیامبر اسلام را مورد آزار و بی‌مهری خود قرار می‌دادند. یهودیان با طرح مسئله قبله، مسلمانان را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند: «محمد صلی الله علیه و آله مدعی است دارای آیین مستقلی است و آیین و شریعت او، آیین‌های گذشته را نسخ می‌کند، در صورتی که هنوز قبله مستقلی ندارد و از قبله یهودیان پیروی می‌کند». این سخنان برای پیامبر اسلام ناگوار بود و حضرت را ناراحت می‌کرد.

پیامبر گرامی اسلام علاقه زیادی به خانه کعبه داشت. علت علاقه حضرت به کعبه را باید در علاقه بسیار ایشان به حضرت ابراهیم علیه السلام و آثار او جست‌وجو کرد. افزون بر این، کعبه قدیم‌ترین خانه توحید بود. از سوی دیگر، حضرت می‌دانست که بیت المقدس، قبله موقت مسلمانان است و آرزو داشت فرمان قبله بودن کعبه صادر و قبله‌نهایی تعیین شود. سرزنش‌ها و تحقیرهای بیش از اندازه یهودیان مدینه نیز باعث شده بود تا این انتظار به اوج خود برسد. اما از آنجا که حضرت تسلیم دستور خداوند بود، این تقاضا را بر زبان جاری نمی‌کرد. ایشان نیمه‌های شب از خانه بیرون می‌آمد و به آسمان نگاه می‌کرد و با نگاه‌های انتظار آمیزش، نشان می‌داد عشق و شوق فراوانی در دل دارد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای تغییر قبله مسلمانان لحظه شماری می‌کرد و در انتظار نزول وحی خداوند بود. قرآن کریم لحظات انتظار را چنین بیان می‌کند: «نگاه‌های معنادار تو را به آسمان می‌بینم و تو را به سوی قبله‌ای که رضایت را جلب کند برمی‌گردانیم». هفده ماه از ورود پیامبر به شهر مدینه گذشته بود که انتظار به پایان رسید و دستور تغییر قبله صادر شد. این دستور در روز پانزده رجب سال دوم هجری در حالی که پیامبر ابلاغ گردید که حضرت، دو رکعت از نماز ظهر را در مسجد بنی سالم به سوی بیت المقدس خوانده بود.

پانزدهم رجب، سالروز تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به خانه کعبه است. این واقعه ارزشمند که در سال دوم هجری قمری اتفاق افتاد، نقش به‌سزایی در بازیابی هویت و استقلال مسلمانان داشت و آنان را در رسیدن به آرمان‌های بلند الهی و فتح قله‌های فضیلت ثابت قدم و دشمنان را از رسیدن به هدف‌های شوم خود ناامید کرد.

قبله، نماد توحید و جهت و نشانه اسلام و ادیان توحیدی است که ادیان الهی را از دیگر آیین‌ها جدا می‌کند و به عبادت‌های آدمی رنگ‌خداایی می‌دهد. خداوند برای هر امتی از امت‌های پیشین، قبله مخصوصی تعیین کرده است تا به هنگام نیاز و نیایش، به سوی او متوجه شوند و از توجهات انحرافی در امان بمانند.

بیت المقدس، یکی از مقدس‌ترین مکان‌هایی است که خاستگاه بسیاری از پیامبران بزرگ الهی بوده است و در ادبیات اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

با توجه به موقعیت ممتاز و شرافت بیت المقدس، پیامبر گرامی اسلام پس از مبعوث شدن به نبوت، مدت سیزده سال در شهر مقدس مکه به سوی آن نماز خواند.

حضرت پس از مهاجرت از شهر مکه به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، به روش خود ادامه داد و تا مدت‌ها نماز خود را به سوی قبله یهودیان (بیت المقدس) می‌خواند. این کار تا میانه‌های ماه رجب سال دوم هجری ادامه داشت.

با تشکیل حکومت اسلامی و رشد مسلمانان در مدینه، ترس و وحشت امت یهود را فرا گرفت؛ زیرا پیشرفت‌های روزافزون مسلمانان، نشان می‌داد آیین اسلام، در اندک زمانی سراسر شبه جزیره عربستان را خواهد گرفت و قدرت و آیین یهود را از بین خواهد برد. به همین علت، کارشکنی یهودیان آغاز شد. آنان از راه‌های گوناگون،

در این حال جبرئیل امین نازل شد و بازوان پیامبر را گرفت و حضرت را به سوی خانه کعبه برگرداند. زنان و مردانی هم که در مسجد به پیامبر اقتدا کرده بودند، از حضرت پیروی کردند و به طرف کعبه برگشتند و دو رکعت آخر را به سوی کعبه خواندند. از آن روز، کعبه به عنوان قبله مستقل مسلمانان اعلام گردید. این مسجد هم اکنون نیز در شهر مدینه باقی است و به مسجد ذوقبلتین (دو قبله ای) معروف است.

خانه کعبه، شریف ترین مکان در روی زمین است که از سوی خداوند به عنوان پناهگاه و کانون امن اعلام و مقررات شدیدی برای پرهیز از هر گونه درگیری و جنگ و خون ریزی در این سرزمین مقدس وضع شده است؛ به گونه ای که نه تنها انسان ها از هر قشر و گروهی، بلکه حیوانات و پرندگان نیز در امنیت کامل به سر می برند و هیچ کسی حق آزار آنها را ندارد.

از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت پیامبر علیهم السلام و تاریخ

اسلام استفاده می شود که خانه کعبه، پیش از حضرت ابراهیم و حتی در زمان حضرت آدم بر پا بود. قرآن کریم می فرماید: «نخستین خانه ای که برای پرستش خداوند برای مردم ساخته شد.

در سرزمین مکه بود». بر همین اساس، خانه کعبه کهن ترین مرکز توحید و پرستش ذات خداوند و برای همه مردم شبه جزیره عربستان ارزشمند و قابل احترام بود.

با تغییر قبله و استقلال نسبی مسلمانان، فصل جدیدی از ایرادها و بهانه جویی های امت یهود آغاز شد. آنان که پیش از تغییر قبله، مسلمانان را به نداشتن استقلال سرزنش می کردند، پس از تغییر قبله، با چرخش بسیاری، بهانه های دیگری را مطرح کردند. یهودیان، پیامبر اسلام را به برگشتن از قبله پیامبران پیشین سرزنش می کردند و می گفتند: «اگر قبله اول مسلمانان

درست بود، این تغییر قبله چه معنایی دارد؟ و اگر قبله دوم صحیح است، چگونه بیش از چهارده سال به طرف بیت المقدس نماز خوانده اند؟».

قرآن کریم با اشاره به ماجراجویی های یهودیان، به پیامبر می فرماید: «به زودی بعضی از سبک مغزان می گویند چه چیزی آنها را از قبله ای که بر آن بودند (بیت المقدس) برگرداند. به آنان بگو شرق و غرب عالم متعلق به خداست». خداوند با این بیان شیوا، بهانه جویی و اعتراض به احکام خدای حکیم و دانا را، نشانه بی خردی معرفی کرده است.

از آیات قرآن کریم استفاده می شود که یکی از حکمت های تغییر قبله، آزمایش مسلمانان بوده است؛ زیرا به واسطه این تغییر، آنان که پیرو راستین دستورات الهی هستند، آنچه را پیامبر بازگو می کند بدون اکراه می پذیرند، ولی آنانکه ایمان خالص ندارند، به محض تغییر یک دستور، شروع به بهانه جویی و چون و چرا کردن می کنند. قرآن کریم با اشاره به این مطلب می فرماید: «تغییر قبله از آن طرفی که بر آن نماز می گزاردید (بیت المقدس) برای این بود تا افرادی را که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت باز می گردند بازشناسیم».

با تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به خانه کعبه، نگرانی هایی در بین بعضی از افراد سست ایمان ایجاد شد. این عده در مورد اعمال گذشته خود و بستگانی که پیش از تغییر قبله از دنیا رفته بودند دچار تردید شدند و گمان کردند آن اعمال مورد پذیرش نیست. در پی این نگرانی، نزد پیامبر اسلام رفتند و در مورد اعمال گذشته خود و اقوامشان پرسیدند. در این لحظه پیامبر اسلام با تلاوت ادامه آیه ۱۴۳ سوره بقره فرمود: «خداوند ایمان شما را که بر اساس دستور پیشین به سوی بیت المقدس نماز خوانده اید ضایع نمی کند».

شبیهِ باران

بازدید از خانواده شهید داود آزاد مهر



بازدید از خانواده شهید داود آزاد مهر با حضور مسئولین امور ایثارگران دانشگاه به همراه جمعی از دانشجویان شاهد و ایثارگر مورخ ۸۹/۸/۲۳ برگزار گردید. مشاور وزیر و مدیر کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر وزارت علوم به همراه همکاران در این بازدید شرکت داشتند.

شهید داود آزاد مهر در سال ۱۳۴۱ در قزوین در خانواده متدین متولد شد. در سال ۱۳۶۲ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آمد و در سال ۱۳۶۴ در عملیات والفجر ۸ اسیر و به اسارت درآمده و جانباز گردید. او پس از ۵ سال اسارت در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۴ به وطن بازگشت. سال ۱۳۷۴ در رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته و در سال ۱۳۷۹ بر اثر جراحات شیمیایی به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

اثر مرگبار بمب شیمیایی بر بدن او نقش بسته بود و آثار جنگ حتی با وجود خاموشی شعله های آتش او را رها نمی کرد.

در دانشگاه جهادگری بود عاشق ولایت، انسانی بود با کمال صداقت، دانشجویی بود اهل علم، جانبازی بود مقاوم، بسیجی بود مخلص، آزاده ای آزاد و پاسداری بود شجاع.

ساده زیستی و متانت او که زباند عام و خاص بود او را اسوه اخلاق و رفتار قرار داده بود.

"یادش گرامی باد"

شهید داود آزاد مهر



یک روز پس از انتقال امام (۱۲ مرداد) روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور چیزی را به دستور ساواک منتشر کردند تا در نظر مردم چنین وانمود کنند که انتقال امام از زندان به محل جدید به دلیل تفاهمی بوده که میان ایشان و مقامات انتظامی بوجود آمده است. این خبر شایعه‌ای بیش نبود و امام بعداً پس از آزادی کامل و بازگشت به قم در اولین فرصت طی یک سخنرانی آنرا به شدت تکذیب کرد.

شاه که تصور می‌کرد با سرکوب قیام ۱۵ خرداد، دستگیری امام، کوتاه آمدن برخی از علما و از همه مهمتر شایعه تفاهم امام را منزوی ساخته است بتدریج در جهت عادی نشان دادن اوضاع حرکت کرد. از اینرو اسدا... علم را در ۱۷ اسفند ۴۲ برکنار ساخت و به دروغ وانمود کرد او مسبب حوادث اخیر بوده و عزل وی به دنبال تفاهم با امام تحقق یافته است.

بعد از اعلم، حسنعلی منصور به نخست‌وزیری رسید. او طی نطقی با تمجید از اسلام، از آن به عنوان «یکی از مترقی‌ترین و برجسته‌ترین ادیان جهان» یاد کرد و بر «مراحم و عطوفت خاص شاه: مقامات روحانی تأکید نمود. دو روز پس از سخنان منصور امام بدون اطلاع قبلی در شب ۱۸ فروردین ۴۳ وارد قم شد و به تدریج مورد استقبال علما و مردم قرار گرفت. در همان روز، روزنامه اطلاعات در مقاله‌ای تحت عنوان انقلاب سفید شاه و امریکا» نوشت «چقدر جای خوشوقتی است که جامعه روحانیت نیز اکنون با همه مردم، همگام در برابر اجرای برنامه‌های انقلاب شاه و مردم شده است». امام خمینی در واکنش به این اتهام در ۲۱ فروردین طی سخنانی مطالب روزنامه اطلاعات را به شدت تکذیب نمود و اظهار داشت:

«خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد. من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح به دست بگیرم. من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات خود سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم. پایگاه استقلال اسلامی اینجاست باید این مملکت را از این گرفتاریها نجات داد.

به دنبال انتشار خبر بازداشت امام خمینی (ره) در سحرگاه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مناسبت سخنرانی تاریخی امام که علیه اسرائیل غاصب و رژیم وابسته شاه بوده از نخستین ساعات روز ۱۵ خرداد، اعتراضات گسترده‌ای در قم، تهران، ورامین، مشهد و شیراز برگزار شد که با شعارهایی بر ضد شاه و در طرفداری از امام همراه بود.

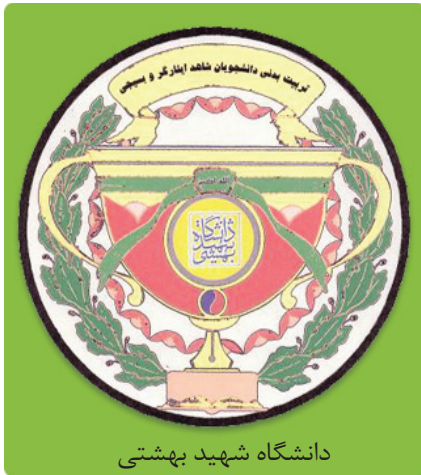
مأموران نظامی که در نقاط مرکزی و حساس شهرهای قم و تهران مستقر بودند به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند. مردم نیز با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند. تظاهرات در آن روز و دو روز بعد نیز ادامه یافت و هزاران نفر از مردم کشته و مجروح شدند. فجیع‌ترین حادثه، قتل عام دهقانان کفن‌پوش ورامینی بود که در پشتیبانی از امام راهی تهران شده بودند. مأموران نظامی در سر پل باقرآباد با آنها روبرو شده و با سلاحهای سنگین آنها را قتل عام کردند.

پس از فرو نشستن قیام، اسدا... اعلم نخست‌وزیر، در مصاحبه‌ای با روزنامه هرالد تریبون در روز ۱۷ خرداد ۴۲ تهدید کرد که امام و برخی دیگر از علما، محاکمه نظامی خواهند شد و ممکن است حکم اعدام آنها صادر شود. شاه نیز دو روز بعد طی سخنرانی بیانات امام و تظاهرات مردم را به تحریک و پول بیگانگان - جمال‌عبدالنصر - دانست زیرا جمال‌عبدالنصر در آن زمان به دلیل همکاری شاه و رژیم صهیونیستی روابط خصمانه‌ای با شاه داشت. در این راستا رسانه‌های رژیم ادعا کردند که شخصی به نام عبدالقیس از بیروت با هواپیما

وارد فرودگاه مهرآباد شده و در گمرک مهرآباد حدود یک میلیون تومان پول از او به دست آمده و اعتراف کرده است که ناصر این پولها را برای افراد معینی در ایران فرستاده است. این ادعا مورد انتقاد بسیاری در داخل و خارج از جمله خیلی از نشریات خارجی واقع شد و رژیم هیچ دلیل و سندی در این خصوص ارائه نکرد. چند روز پس از دستگیری امام دهها نفر از مراجع و علمای ایران به عنوان اعتراض به دستگیری امام و اعلام پشتیبانی از وی، به تهران مهاجرت کردند. بر اثر اعتراض علما و فشار افکار عمومی سرانجام امام پس از دو ماه بازداشت در پادگان نظامی به منزلی در شمال شهر تهران منتقل گشت و تحت نظر قرار گرفت. از نخستین ساعات روز بعد مغازه داران تهران و شهرستانها به مناسبت آزادی نسبی امام بر سر در مغازه‌های خود پرچم نصب کرده و چراغانی نمودند و به مردم شیرینی و شکلات دادند.







اهم فعالیت های اخیر کانون:

الف: مسابقات ورزشی منطقه ۸ کشوری

مسابقات ورزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر منطقه یک کشور به منظور شناسائی نفرات و تیمهای برتر برای حضور در اولین المپیااد کشوری (در نیمه دوم تیرماه ۱۳۹۰) از تاریخ ۹۰/۲/۲۷ لغایت ۹۰/۲/۳۰ برگزار گردید. در این دوره از مسابقات آقایان در رشته های ۱- فوتسال ۲- دومیدانی ۳- تنیس روی میز ۴- شنا ۵- بدمینتون و خانمها در رشته های ۱- والیبال ۲- دومیدانی ۳- تنیس روی میز ۴- شنا ۵- بدمینتون به رقابت پرداختند. دانشگاههای شرکت کننده به صورت داوطلب میزبان برگزاری رشته های مختلف بودند که در این میان دانشگاه شهید بهشتی میزبان رشته تنیس روی میز در دوبخش خواهران و برادران بود.

تیمهای دانشگاه شهید بهشتی در این مسابقات با نفرات کامل شرکت کرده و موفق شدند بهترین نتایج را در میان دانشگاههای شرکت کننده از آن خود کنند.

از مجموع ۹۰ مدال توزیع شده ۲۴ مدال سهم ورزشکاران دانشگاه شهید بهشتی بود که شامل ۸ مدال طلا، ۳ مدال نقره (آقایان) و ۷ مدال طلا، ۳ مدال نقره و ۳ مدال برنز (خانمها) میباشد.

نکته جالب اینکه از مجموع ۳۰ مدال طلای توزیع شده ۱۵ مدال به ورزشکاران شهید بهشتی رسید.

عناوین کسب شده توسط تیمهای ورزشی دانشگاه شهید بهشتی

شنا	بدمینتون	دومیدانی	دوبل و تیمی تنیس روی میز	والیبال	فوتسال	
مقام دوم	—	مقام دوم	مقام اول انفرادی	—	مقام اول	پسران
مقام چهارم	مقام سوم	مقام اول	مقام اول انفرادی	مقام اول	—	دختران

اسامی مدال آوران (پسران)

شنا	دومیدانی	تنیس روی میز	فوتسال
مقام دوم تیمی	مقام دوم تیمی	مقام اول تیمی	مقام اول
احسان حسینی مقام اول در دوماده ۵۰ متر آزاد و ۱۰۰ متر آزاد	سعید عباسی مقام اول در دو ماده ۲۰۰ متر و ۸۰۰ متر	<p>انفرادی</p> <p>مقام اول سید رضا حسینی (شهید بهشتی) مقام دوم امین حاج حسینلو (شهید بهشتی) مقام سوم محمد مهدی رفیعی (صنعتی شریف)</p> <p>دوبل</p> <p>تیم اول دانشگاه دانشگاه شهید بهشتی (سید رضا حسینی - امین حاج حسینلو) تیم دوم دانشگاه صنعتی شریف (محمد مهدی رفیعی - حسین جغتائی) تیم سوم دانشگاه شاهد (حامد پور سامه - جواد فاطمی نیا)</p>	صادق بزرگیان حامد حسین پور میثم باباپور محمد کرمی کاظم قره خانی داود لکی محمد رضا کرمانی حامد باقری محمد مسلمی محمد پاهنگ الیاس نصیری سید مجید شهیدزاده (مربی)
اسماعیل غلامحسینی (سرپرست)	سید محمد رضاموسوی (سرپرست)	محمد رضا سلطانی (سرپرست)	سیدمصطفی میرزائی (سرپرست)



تیم تنیس روی میز شاهد و ایثارگر



تیم فوتسال شاهد و ایثارگر



به ترتیب از راست به چپ : سیدمصطفی میرزائی (سرپرست)
اکبر ملکیان (مسئول کانون ورزشی ایثار)
سید محمد رضا موسوی (سرپرست)



اسامی مدال آوران (دختران)

والیبال	تنیس روی میز	دومیدانی	بدمینتون	شنا
مقام اول	مقام اول تیمی	مقام اول تیمی	مقام سوم تیمی	مقام چهارم تیمی
<p>زینب لکی زهره ترابی عاطفه رضائی حمیده ابراهیمی شبثم ملکی مرضیه مهدی پور آزاده حسینی الهه دهقان فاطمه بیدگلی فاطمه السادات حدادی</p>	<p>انفرادی زینب وثوق زاده (شهید بهشتی) ناهید غلامی (علامه طباطبائی) زهره فدائی (تهران)</p> <p>دوبل تیم شهید بهشتی (زینب وثوق زاده - پروانه خنجری) تیم تهران (زهره فدائی - ساناز ملالی) تیم علامه طباطبائی (طاهره ایثاری - ناهید غلامی)</p>	<p>حمیده ابراهیمی مقام اول در ماده ۱۰۰ متر و مقام سوم در ماده ۲۰۰ متر</p> <p>ربابه رضوی مقام اول در ماده ۱۰۰ متر و مقام دوم در ماده ۲۰۰ متر</p>	<p>دوبل سکینه نوروزی فاطمه داود وندی</p>	<p>عطیه دهقان مقام اول در ماده ۵۰ متر قورباکه</p> <p>آرمیس صدری مقام سوم در ماده ۵۰ متر آزاد</p>
مهدیه مهدوی (مربی) اعظم السادات شیرازیها (سرپرست)	حوریه آقا میری (مربی) اعظم السادات شیرازیها (سرپرست)	لیلا خیرالله زاده ورزی (مربی)	شادی سعادتی (مربی)	الهه عبدالله آبادی (مربی) اعظم السادات شیرازیها (سرپرست)

و مجموعه همکاران کانون ورزشی ایثار تقدیر و تشکر می گردد ما نیز به نوبه خود این موفقیت را به این عزیزان تبریک می گوئیم.

در پایان از کلیه عزیزانی که ما را در کسب موفقیت در این جشنواره ورزشی یاری رساندند کمال تشکر و قدردانی را داریم. لازم به ذکر است کاروان ورزشی دانشگاه شهید بهشتی با مدیریت، هماهنگی و همت جناب آقای اکبر ملکیان به این موفقیت نائل گردید. که از ایشان

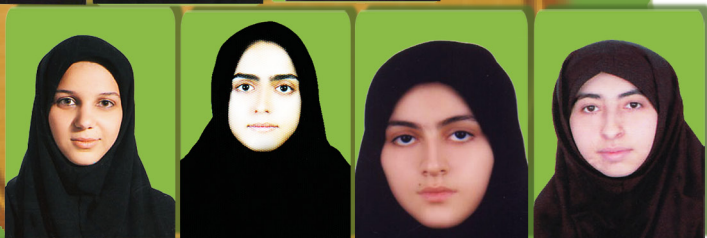
زینب لکی
الهه دهقان
حمیده ابراهیمی
فاطمه راعی



عاطفه ابراهیمی
مرضیه مهدی پور
سیده آزاده حسینی
زهره ترابی



فرزانه داود وندی
فاطمه حدادی
شبشم ملکی
عطیه دهقان



سکینه نوروزی
زینب وثوق زاده
پروانه خنجری
آرمیس صدری



دومین المپیاد فرهنگی ورزشی دانشجویان شاهد و ایثار گر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور

دومین المپیاد فرهنگی ورزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشجویان پسر سیزدهم تا هجدهم تیر به میزبانی دانشگاه زنجان و از یازدهم تا شانزدهم تیرماه به میزبانی دانشگاه رازی کرمانشاه در بخش دختران برگزار شد.

در این دوره از رقابت‌ها دانشجویان پسر در پنج رشته ورزشی فوتسال، تنیس روی میز، شنا، دو میدانی و بدمینتون از ۵۲ دانشگاه از ۸ منطقه کشوری به مصاف هم رفتند که در پایان کاروان ورزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی با کسب ۳۴ امتیاز مقام اول را از آن خود نمود و دانشگاه‌های فردوسی مشهد با کسب ۲۳ امتیاز و دانشگاه تهران با کسب ۱۹ امتیاز به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب نمودند.

دانشجویان دختر نیز در پنج رشته ورزشی والیبال، تنیس روی میز، شنا، دو میدانی و بدمینتون از ۳۵ دانشگاه از ۸ منطقه کشوری به رقابت پرداختند. در پایان کاروان ورزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی با کسب ۲۰ امتیاز مقام اول را کسب نمود و دانشگاه سمنان با کسب ۱۹ امتیاز مقام دوم و دانشگاه فردوسی مشهد با کسب ۱۷ امتیاز مقام سوم را بدست آوردند.





اهمیت بسیج اساتید در تبلور اتحاد ملی و انسجام اسلامی

اهمیت بسیج اساتید به این دلیل اثربخش تر است که با مخاطب خویش در کلاس درس همراه و در وسعت گروه سرزمینی به عمق جان و روان گیرندگان پیامش نفوذ کرده و هم آغوش می شود و راه یافتگان جوان و نوجوان به مدرسه عشق را آنچنان سیراب می یازد که وحدت ملی و انسجام اسلامی را نه به عنوان یک هدف و صرفاً در یک سال خاص بلکه همواره به عنوان سفر و در اندیشه کیفیت بخشی و رسالت انسان مسئولیت پذیر با دقت و ظرافتی خاص تا آنجایی که مسلمانی را به اوج برساند و به قول شاعر عزیز اقبال لاهوری:

مسلمانی که داند رمز دین را نشاید پیش غیراله جبین را

در این راستا فرصت مناسبی است که بسیج اساتید و بسیج فرهنگیان هر یک در حوزه خویش با توجه به نوع موضوع و رسالت فرهنگی و تاریخی خویش (بیش از سایر بسیجیان در حوزه های دیگر) با برنامه ریزی و سازمان دهی به این مهم شتاب دهند کما اینکه در گذشته این مسیر را به نسبتی تجلی بخشیده و سرمایه ذیقیمتی برای ایران اسلامی به ارمغان آورده اند.

طرح عوامل ایجاد وحدت ملی و انسجام اسلامی در این دو حوزه و استفاده از ظرفیت اساتید علوم دینی و دانشگاه، از سویی تاثیرش در خانواده، گروه دوستان و همسالان، مدرسه، دانشگاه و در مجموعه گروه سرزمینی و فراتر از آن در وسعت جهان اسلام خواهد بود و از طرف دیگر آنهایی که از بیداری اسلامی نگران و همیشه در تقابل با وحدت و انسجام اسلامی قدم برداشته اند، همبستگی دینی و انسجام اسلامی می تواند غرب را به عقب نشینی از این مواضع واداشته و تزلزل در مبانی اعتقادی لیبرالیسم ایجاد نماید که در نهایت با رویکرد و همنوایی و یکپارچگی جهان اسلام قدم به قدم به اهداف جهانی اسلام نزدیک و تسلیم شدن مهاجمان در ستیز با دین، ره آورد این روشن بینی و هم اندیشی است.

بسیج حلقه اتصال و متحدکننده مردم و اقشار مختلف جامعه با دیدگاه ها و ذائقه های گوناگون است و آنچنان تفکر بسیجی جای خود را در جغرافیای سرزمینی و خارج از وسعت ایران اسلامی با ویژگی مردمی بودن و خدمات خالصانه و دور از بوروکراسی باز کرده که این همه، برجستگی و نقش آفرینی خاص به مجموعه بسیجیان داده و می دهد. در منحنی رفتار و سیمای عاشقان و دلباختگان مدرسه عشق که هر ناممکنی را ممکن کرده اند، بی شناسنامه، بی ادعا و آنهایی که در اوج قرار گرفته اند، چه زیبا خود را ندیده! و هنگامه ها را همچنان از طلوع پیروزی بهمن ۵۷ تا به امروز آفریده و می آفرینند.

اگر نقش بسیج را در مواقعی و به طور برجسته در دوران حماسی جنگ با فرهنگ و معانی خاص اش صرفاً نظامی می دیدیم (که البته این حرکت و توانمندی توانست مجموعه و ترکیب فرهنگی جدیدی در ادبیات نظامی دنیا بیافریند) امروز ارگان و نهادی است نسبتاً وسیع، با کارکردهای گوناگون و پاسخگوی برخی از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی و یا نظامی است. در این نوشتار بسیج به طور خاص با نقش آفرینی در موضوع تحقق شعار «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» که فرموده و نامگذاری رهبر معظم انقلاب اسلامی در دقایق اولیه آغاز سال ۱۳۸۶ هجری شمسی است، می تواند همچنان این نهاد مردمی زنده و بالنده شناخته شود.

اگر بپذیریم بسیج خود مصداق عینی اتحاد ملی و انسجام اسلامی است، عامل قوی و تقویت کننده وحدت، اقتدار و امنیت ملی است، با بصیرت و معنویت هم آغوش، با افراط گرایی در تقابل و برای دستیابی به وحدت تاکنون هشیار عمل کرده و معطوف به مصالح عمومی و عامل شکوفایی قابلیت ها و توانایی های ملی بوده و است قطعاً استاد بسیجی می تواند در مواردی در مقایسه با رسانه ملی عمقی تر و با دریافت بازخورد پیامش و در سنگینی علمی ایران اسلامی در ابعاد مختلف بهتر و اثربخش تر عمل نماید.

اگر بخواهیم نحوه روابط افراد را در بسیج و در گروه اساتید بسیجی و دانشجویان، به صورت فضایی ترسیم کنیم به رابطه میان دانه های تسبیح شبیه است که با نخ تسبیح به هم وصل شده اند. روابط شکل زنجیره ای داشته و پیام پیوند دهنده دانه های این زنجیر است.

نوشته: اصغر ایمانی

در گذر زمان

هلال ماه رجب، زندگی و تولدی دوباره را به عاشقان نوید می دهد. ماه رجب فصل جدیدی در کتاب زندگی می گشاید که از عطر دل انگیز نیایش سرشار است. پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) با دیدن هلال ماه مبارک رجب، دست به دعا بر می داشت و پس از حمد و ثنای الهی، سی بار تکبیر و لاله الا الله می گفت و می فرمود: ماه رجب، ماه استغفار برای امت من است. در این ماه بسیار طلب آمرزش کنید که خداوند آمرزنده مهربان است. در ماه رجب فرشته ای تا صبح اینگونه ندا می دهد: خوشا به حال رجبیون، خوشا به حال آنان که والایی ماه رجب را دریافته اند، خوشا به حال آنان که از برکت ماه رجب نصیبی اندوخته اند. پوینده طریق بندگی و سالک راه ملکوت و رهسپار وادی معرفت و چشم انتظار بهار طاعت و مشتاق دعا و مناجات و مسئلت که شیر روز و زاهدی در دل ظلمت است و با اقلیم توحید آشنایی دارد و از جام محبت و دلدادگی جرعه هایی جانبخش نوشیده و طالب قرب، کرامت، تعالی و فضیلت می باشد گاه رسیدن پر برکت سال همچون رجب، شعبان و رمضان همچون انسان هایی تشنه و مشتاق در انتظار گمشده آشنای خود در این مواقع بسر می برد تا از آب گوارا و نوشین حیات و معنویت سیراب شده و روح و روان خود را جانی نوین و طیب و طاهر ببخشد و با نظافت خانه دل و آراستن درون، خود را برای میهمانی خدا و درک لیلۃ القدر ماه مبارک مهیا کند. آنان که در وادی مراقبه و شهود در محضر خدای متعال گام برمی دارند چه خوب قدر چنین ایامی را می دانند و بسیار سخت تر و هوشیارتر و جدی تر از دنیاطلبان، به دنبال آن هستند تا مبادا سودی فانی و متاعی ارضانی از این نشئه از دستشان بیرون رود، مراقبند تا نکند نفعی باقی و تجارتنی راقی برای آخرت، از کفشان ربوده گردد که زیان و نقصان را در این می بینند. بر کسی که می خواهد به تصفیه درون بپردازد لازم است که برای دستیابی به خرسندی خداوند تمامی توش و توان خود را به کار گیرد و برای خالص نمودن اعمال و احوال خویش و مصون نگه داشتن آنها از هر گزند، در ایام ماه رجب مبادرت ورزد که اگر بنده ای به اندک عملی به این شیوه و با این خصوصیات توفیق یابد او را کفایت می کند، زیرا پاداشی که پروردگار برای عمل ناپ و عاری از آلودگی خودخواهی و شرک و نفاق، در نظر گرفته از حساب و شماره بیرون است.

از امام صادق(ع) نقل شده که پیامبر ختمی مرتبت، حضرت محمد مصطفی(ص) فرمود: ماه رجب، ماه خداست در غایت حرمت و فضیلت. اگر کسی روزی از این ماه را روزه بگیرد خدای را خشنود و شعله غضب الهی را خاموش نموده است و دری از درهای جهنم به روی او بسته می شود. رجب ماه استغفار امت من است، پس در این ماه طلب آمرزش کنید که خداوند آمرزنده و مهربان است و رجب را ((اصب)) می گویند زیرا که رحمت خداوند در این ماه بر امت من بسیار ریخته می شود، پس بسیار بگوئید استغفر الله و اسئله التوبه.

"استغفر الله و اسئله التوبه"
"مدیرمسئول"





یادواره شهیدای دانشگاه شهید بهشتی خرداد ۱۳۹۰



فرماندهای نیروی دریایی

و یادواره شهیدان و ایثارگران شهید

سید علی حسینی

سید علی حسینی





